

بررسی نیاز اولیه‌ی انسان به پذیرش از نگاه قرآن و نظریه‌ی طرح‌واره‌های Investigating the Basic Human Need for Acceptance from the Perspective of the Qur'an and Schematic Theory

Jafar Aligoli
Mohammad Mahdi Safouraei Parizi

جعفر علی گلی^۱
محمد مهدی صفورائی پاریزی^۲

Abstract

Acceptance is a universal need and encompasses the scope of human life; any damage to this need creates inconsistent schemas and meeting this need increases the feeling of receiving love, support, and meaningfulness. The purpose of this study is to identify the concept and structure of acceptance in the Qur'an and to compare it with schema theory. For this purpose, the data were analyzed and coded by inductive content analysis. The findings showed that acceptance in Islam is taken from the description and recommendation of mercy, love, forgiveness and hope and is the first step to establish a mutual relationship. Acceptance is kindness, and positive attention to someone who has been approached or contacted and has no hostile behavior or intent. This research showed that there are five levels of acceptance in the Qur'an: 1- Children 2- Couples towards each other 3- Acceptance in the Islamic society (unless in the intention or act of hostility of the other party) 4- Prophet and leaders Islamic society towards any non-enemy 5- Acceptance and kindness of God (includes everyone, especially those who are more submissive). As a result, based on Islamic sources, human beings receive their need for acceptance from different sources, and after emotional development, they help promote this need in others. In Yang's schematic theory, however, the main source of acceptance is the family and the expressed treatment is limited.

Keywords: acceptance, need, mercy, Quran, schema.

چکیده

پذیرش نیازی جهان‌شمول است و گستره‌ی زندگی انسان را دربر می‌گیرد؛ ضربه به این نیاز طرح‌واره‌های ناسازگار ایجاد می‌کند و تأمین این نیاز، احساس دریافت محبت، حمایت و معناداری را افزایش می‌دهد. هدف پژوهش شناسایی مفهوم و ساختار پذیرش در قرآن و مقایسه‌ی تطبیقی آن با نظریه‌ی طرح‌واره‌ای است. به این منظور با شیوه‌ی تحلیل محتوا از نوع استقرایی، داده‌ها مورد بررسی و الگویابی قرار گرفتند. بررسی نشان داد پذیرش در اسلام از توصیف و توصیه به رحمت، محبت، بخشش و امیددهی برداشت شده و گام نخست برای ایجاد رابطه و محبت طرفینی است. پذیرش، مهربانی و توجه مثبت به کسی که روی آورده یا ارتباطی ایجاد شده و رفتار یا قصد دشمنی ندارد. این تحقیق نشان می‌دهد که پنج سطح از ارائه‌ی پذیرش در قرآن وجود دارد: ۱- کودکان ۲- همسران نسبت به یکدیگر ۳- پذیرش در جامعه‌ی اسلامی (مگر در صورت نیت یا عمل دشمنی طرف مقابل) ۴- پیامبر و رهبران جامعه‌ی اسلامی نسبت به هر غیردشمنی ۵- پذیرش و مهربانی خداوند (شامل همگان است به‌ویژه آن‌ها که بیش‌تر تسلیم هستند). در نتیجه انسان بر اساس منابع اسلامی از محیط‌های مختلف نیاز خود به پذیرش و محبت را دریافت می‌کند و پس از رشد عاطفی می‌تواند این نیاز را در دیگران تأمین کند. این در حالی است که در نظریه‌ی طرح‌واره‌ای یانگ، پذیرش در محیط خانواده و درمان به شکل محدود بیان شده است.

کلید واژگان: نیاز، پذیرش، رحمت، قرآن، طرح‌واره.

Phd of Quran and Psychology, Faculty of Islamic Humanities, Al-Mustafa International University, firouzjahi@gmail.com
Associate Professor of Educational Psychology, Al-Mustafa International University, safurayi@gmail.com

۱. دکتری قرآن و روان‌شناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، جامعه‌ی المصطفی العالمیه.
firouzjahi@gmail.com
۲. دانشیار روان‌شناسی تربیتی، جامعه‌ی المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول).
safurayi@gmail.com

Accepted: 3 Jul 2019

Received: 16 May 2019

تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۲۶

نیاز^۱ در روان‌شناسی هر چیزی است که نوعی کمبود و نقص بوده و برای بقا یا بهزیستی ارگانیزم ضروری به حساب آید، هم‌چنین برای رفع آن در فرد ایجاد انگیزه می‌کند، مانند کمبود غذا، آب، اکسیژن و نیازهای غیر جسمانی مانند پذیرش و محبت، احترام، آزادی و محدودیت‌های واقع‌بینانه و غیره (ماتسوموتو، ۲۰۰۹). نیازها به صورت انگیزه‌هایی برای انواعی از رفتارها درمی‌آیند و رفتارها نیز به منزله‌ی بازتابی از نیازها محسوب می‌شوند (کاروروشی‌ر، ۱۹۹۲). نیاز به پیوند و پذیرش^۲ از جمله نیازهای بنیادین انسان است. منظور از پذیرش، داشتن ارتباطی ایمنی‌بخش، گرم و باثبات، همراه با توجه مثبت با موضوع دل‌بستگی است (یانگ و همکاران، ۱۳۸۶).

پیشینه‌ی مفهوم پذیرش در روان‌شناسی، به فروید برمی‌گردد زمانی که اظهار داشت پیوند عاطفی نوباوه با مادر، مبنای تمامی روابط بعدی است (برک^۳، ۱۳۹۰). هم‌چنین او مطرح کرد ایجاد حس اعتماد و امید در انسان‌ها به دریافت پذیرش و محبت از منابع حمایتی فرد برمی‌گردد که قسمت عمده‌ای از آن بستگی به تجربیات اولیه کودکی دارد (پروچاسکا و نورکراس، ۱۳۹۱).

پذیرش در ادامه به عنوان یک اصل اصلاحی - درمانی مورد توجه نظریه‌های مختلف روان‌شناسی قرار گرفته و با عناوین نزدیک به هم ذکر شده است. هورنای^۴ پذیرش را تحت عنوان نیاز به «محبت» و «تصویب و جبهه» ذکر می‌کند. مزلو^۵ پس از تأمین نیازهای جسمانی و ایمنی، نیاز به تعلق و محبت را مهم‌ترین نیاز می‌داند. راجرز انسان‌ها را نیازمند توجه مثبت غیرمشروط^۶ می‌داند؛ نیازی که در همه پایدار و در تمام سنین جریان

1. Need.
2. Acceptance.
3. Berk.L.
4. Karen Horney.
5. Abraham Maslow.
6. Unconditional Positive Regard.

دارد. توجه مثبت، شامل پذیرفتن بازخوردها و برخوردهای گرم و محبت‌آمیز، صمیمیت، عشق و تأیید از سوی دیگران است و در دوران نوزادی بیش‌تر از جانب مادر نمود دارد. در حقیقت، برای نوزاد که رفتارهای آینده‌ی او به‌وسیله می‌زان دریافت این محبت و عشق هدایت می‌شود، امری حیاتی است (شولتز، ۱۳۸۹). در روی‌کرد انسان‌گرایی راجرز، پذیرش به معنای تأیید دیدگاه فرد مراجعه‌کننده یا اعمال وی و موافقت با او نیست بل که درمان‌گر، مراجع را به عنوان یک انسان و با ارزش‌های یک انسان می‌پذیرد و برای رفتارها و افکار احتمالی نامطلوب وی جای بحث می‌گذارد (شفیع‌آبادی و ناصری، ۱۳۶۵). البته پذیرش غیرمشروط به معنای بی‌قانونی فضای والدگری یا مشاوره نیست؛ پذیرش اگر کاملاً غیرمشروط باشد احتمال آسیب بسیار بالا خواهد بود؛ جایی که تهدید یا آسیب علیه مراجع، مشاور یا دیگر اشخاص مطرح باشد و یا این‌که مراجع استانداردهای مشاوره‌ای را قبول نداشته باشد برخوردی انسانی و قانونی صورت می‌گیرد (برنارد، ۲۰۱۳؛ امدی، ۲۰۱۳).

موج سوم درمان شناختی - رفتاری که در ادامه شکل گرفت با عنوان درمان مبتنی بر پذیرش (ACT) شناخته می‌شود و پذیرش خود، دیگران و محیط را جزو اهداف اصلی درمانی برمی‌شمارد. این روی‌کرد پذیرش را این‌چنین تعریف می‌کند؛ برقراری ارتباط گرم با یک منبع برانگیزاننده‌ی درونی یا بیرونی که به جای رفتارهای گریز، اجتناب یا پرخاش‌گری رفتار پذیرش‌گری هم‌راه با چارچوب‌های منطقی را فراهم می‌آورد (هیس و پنکی^۱، ۲۰۰۳). این روی‌کرد علاوه بر پذیرش دیگران، پذیرش خود^۲ را نیز قسمتی مهم از فرایند اصلاح و درمان می‌داند.

اصلاح و درمان در نظریه‌ی طرح‌واره‌ای^۳ به عنوان یکی از نظریه‌های متأخر روان‌شناسی

1. Hayes, s. c. & Pankey.
2. Self Acceptance.
3. Schema Therapy.

با پذیرش مراجع آغاز می‌شود یعنی رابطه‌ای سالم، توأم با تفاهم^۱، هم‌دلی^۲، گرمی^۳ و صداقت^۴ با مراجع برقرار می‌شود (یانگ و همکاران، ۱۳۹۱). طبق این نظریه چنان‌چه در دوران کودکی تعامل بین خلق و خوی^۵ فطری کودک و محیط اولیه، به‌جای تأمین نیازهای اساسی، منجر به ناکارآمدی آن‌ها می‌شود و کنش والدین و محیط اجتماعی در حد بهینه و مطلوب نباشد، در این صورت کودک مستعد ایجاد طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه می‌گردد (یانگ و دیگران، ۱۳۹۱). طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، الگوهای هیجانی و شناختی خود آسیب‌رسان و ساختارهای شناختی باثباتی، شامل باورهایی درباره خود، دیگران و محیط هستند که از ارضاء نشدن نیازهای اولیه به‌ویژه «نیازهای هیجانی اساسی»^۶ در دوره‌ی کودکی سرچشمه می‌گیرند (فری، ۱۳۸۸). طرح‌واره‌ها ممکن است پیش از آن‌که کودک زبان بیاموزد شکل بگیرند و اغلب، نفوذ خود را بر سیستم پردازش اطلاعات در زیر آستانه‌ی هوشیاری اعمال می‌کنند (امانی و دیگران، ۱۳۹۰). اولین نیاز معرفی شده در این نظریه، نیاز انسان به دل‌بستگی^۷ ایمن به دیگران است که شامل نیاز به پذیرش، امنیت، ثبات و محبت است (یانگ و همکاران، ۱۳۹۱). آسیب به این نیاز، سطوحی از هیجان برآمده از افکار بنیادین را منتشر می‌کنند که مستقیم یا غیرمستقیم منجر به اشکال مختلفی از آشفتگی‌ها نظیر افسردگی، اضطراب و تعارض‌های بین‌فردی می‌شوند (یوسف‌نژاد و پیوسته‌گر، ۱۳۹۰). آن‌ها به‌واسطه‌ی ارتباط و تأثیری که بر سبک دل‌بستگی، اختلال‌های شخصیت و اختلال‌های خلق می‌گذارند، می‌توانند منجر به تعارض‌های زناشویی گردند (یوسفی و دیگران، ۱۳۸۹). فعال شدن طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، سطوحی از هیجان برآمده از افکار بنیادین را منتشر می‌کنند که مستقیم یا غیرمستقیم منجر به اشکال مختلفی از آشفتگی‌ها نظیر افسردگی، اضطراب و تعارض‌های

1. Rapport.
2. Empathy.
3. Warmth.
4. Genuineness.
5. Temperament.
6. Core emotional needs.
7. Attachment.

بین فردی می‌شوند (یوسف‌نژاد و پیوسته‌گر، ۱۳۹۰). آن‌ها به واسطه‌ی ارتباط و تأثیری که بر سبک دل‌بستگی، اختلال‌های شخصیت و اختلال‌های خلق می‌گذارند، می‌توانند منجر به تعارض‌های زناشویی گردند (یانگ، ۱۹۹۰ به نقل از یوسفی و دیگران، ۱۳۸۹).

از طرف دیگر تأمین به‌موقع و به اندازه نیاز کودک به پذیرش و محبت از طرف والدین پیش‌بینی‌کننده‌ی سازگاری روان‌شناختی در بزرگسالی خواهد بود (سیدموسوی، مظاهری و قنبری، ۱۳۹۰) هم‌چنین تحقیقات نشان می‌دهند ارضای این نیاز منجر به احساس رضایت از زندگی (یوسف‌نژاد شیروانی و پیوسته‌گر، ۱۳۹۰)، احساس امنیت (پانس و دیگران، ۲۰۰۴)، اعتماد (همان)، حرمت‌خود (همان)، کنترل (همان)، عمل‌کرد شغلی مطلوب (سلیگمن و دیگران، ۲۰۰۷) و رشد معنادار و مثبت در عمل‌کرد تحصیلی (همان) هوش اخلاقی و تحمل‌پذیری (کلیشادی و یزدخواستی، ۱۳۹۵) و هم‌چنین سلامت روانی (مدرس‌غروی، ۱۳۹۰) می‌شود. در یک بررسی فراتحلیلی، توسط روهنر و خالق (۲۰۱۲)، با هدف بررسی درک و پذیرش والدین و سازگاری‌های روانی دوران کودکی و بزرگسالی که در پنج قاره (۲۲ کشور) صورت گرفت، نتایج نشان داد روابط قوی میان درک و پذیرش والدین و سازگاری‌های روانی در بزرگسالی در سراسر فرهنگ‌ها وجود دارد. با توجه به نتیجه‌ی تحقیقات کاستیل^۸، پروت^۲، مارسیک^۳، اشמידزر^۴، یادر^۵ و هالت^۶ (۲۰۰۷) به نقل از حقیقت‌منش و همکاران، (۱۳۸۹) همسرانی که نیاز اولیه‌ی آن‌ها به دل‌بستگی و پذیرش تأمین نشده، نمی‌توانند دل‌بستگی‌های ایمن و رضایت‌بخشی با دیگران (از جمله همسرشان) برقرار کنند. چنین همسرانی معتقدند که نیاز آن‌ها به محبت، ثبات، عشق و تعلق خاطر در زندگی مشترک برآورده نخواهد شد و حتی گاه با استفاده‌ی ناهشیار از سبک مقابله‌ای ناسازگار تسلیم، اقدام به ازدواج می‌کنند و

8. Castille, K.
2. Prout, M.
3. Marczyk, G.
4. Shmidheiser, M.
5. Yoder, S.
6. Howlett, B.

مسیر رابطه را به شکلی پیش می‌برند که این اعتقاد مورد تأیید قرار بگیرد (دائمی و جان‌بزرگی، ۱۳۹۰). آن‌ها تمایل دارند به‌گونه‌ای نسنجیده و شتاب‌زده از یک رابطه‌ی خود آسیب‌رسان به رابطه‌ای دیگر پناه ببرند یا در سبک مقابله‌ای ناسازگار اجتناب، از برقراری روابط بین‌فردی نزدیک، دوری کنند (یانگ و دیگران، ترجمه حمیدپور و اندوز، ۱۳۹۱).

مطالب فوق بیان‌گر این موضوع است که پذیرش در تمام نظریه‌ها جزء مهم تربیت، اصلاح و درمان به حساب آمده است. پذیرش نوعی توجه مثبت و مهربانی است که فرد پذیرفته شده یا کنش‌های او را همان‌گونه که هست با همه‌ی خوبی‌ها و نقص‌ها می‌پذیرند و به خود یا گروه راه می‌دهند و با ادامه‌ی رابطه‌ی عاطفی، پذیرش بیش‌تری ارائه می‌شود. هرچند برخی نظریه‌های پذیرش غیرمشروط را مطرح کرده‌اند اما شرط عدم آسیب به خود و دیگران و دیگر محدودیت‌های منطقی جزو محدودیت‌های مفروض پذیرش در نظر گرفته می‌شود.

قرآن کریم انسان را موجودی نیازمند معرفی می‌کند: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾ (فاطر: ۱۵) این نیازها در کودکی و هم‌چنین در سنین کهولت بیش‌تر هستند ﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَ...﴾ (روم: ۵۴). اسلام دین پذیرش و محبت است و درهای آن نسبت به هر روی آورنده‌ای باز است (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۲). سبک زندگی پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام نیز بر پذیرش و محبت بوده و پیروان را به این امر سفارش می‌کردند (طباطبائی، ۱۳۷۴) و در این موضوع تأکید ویژه‌ای نسبت به کودکان و اعضای خانواده داشته و از جمله‌ی حقوق آن‌ها دانسته‌اند (ر.ک: رساله حقوق امام سجاد، صدوق، ۱۴۱۳ق). با در نظر گرفتن مطالب فوق و با توجه به این نکته که پژوهش مستقلاً پیرامون نیاز بنیادین انسان به پذیرش در متون دینی صورت نگرفته، هدف این پژوهش تبیین مفهومی پذیرش در منابع اسلامی است و هم‌چنین منابع تأمین‌کننده‌ی این نیاز بر پایه‌ی کلیدواژه‌های رساننده‌ی این مفهوم، از نگاه قرآن و متون دینی بررسی و الگویابی می‌شود.

روش تحقیق

روش جمع‌آوری و تحلیل یافته‌ها در این مقاله مرور متون مربوط به پذیرش در متون روان‌شناسی با استفاده از روش تحلیل محتوا است. روشی که داده‌های متنی از طریق تفسیر ذهنی و با فرایندهای کدبندی، طبقه‌بندی نظام‌مند و طراحی الگوهای شناخته شده خلاصه و ارائه می‌شوند (هسیو و شانون، ۲۰۰۵ به نقل از ایمانی و نوشادی، ۱۳۹۳). روش تحقیق تحلیل محتوا می‌تواند استقرائی یا قیاسی باشد. در روش استقرائی اطلاعات خلاصه شده تا به مفاهیم اصلی دست یابند و ارتباط بین مفاهیم و هم‌چنین الگو و حیطه‌های جزئی تر به روش منطقی تقسیم و استنباط می‌شود. اما در تحلیل قیاسی اطلاعات با توجه به الگوهای موجود طبقه‌بندی می‌شوند (تبریزی، ۱۳۹۳).

این تحقیق به جهت بنیادین بودن این نیاز از متون دینی دست اول یعنی قرآن با تفسیر مفسرین برتر و سپس معتبرترین کتاب‌های روایی دارای معیار «الف» (طباطبائی، ۱۳۹۰) به عنوان واحد تحلیل استفاده کرده است. البته محققین گاه برای تأیید برداشت خود، از روایت‌های منقول در کتاب‌های دارای درجه «ب» یا به ندرت «ج» نیز استفاده کرده‌اند. سپس توسط استادان حوزوی و دانشگاهی که هم به متون روان‌شناسی و هم به متون دینی تسلط داشته‌اند مورد بحث و بررسی قرار گرفت و پس از بازنویسی‌های متعدد طرح نهایی به روش استقرائی و بدون مبنا قرار دادن طرح‌های موجود ارائه شد. اولین گام در این تحقیق شناسایی کلیدواژه‌هایی است که مفهوم پذیرش به معنای عام آن در منابع تحقیق به‌کار رفته است.

۱. در این معیار، کتاب‌های حدیثی شیعه و سنی بر اساس ۱۲ ملاک مطرح در رد و قبول کتب روایی، در سه گروه «الف»، «ب» و «ج» درجه‌بندی شده‌اند. از آنجا که تمام کتاب‌های هر گروه اعتبار یک‌سانی ندارند، کتاب‌های هر گروه نیز در نه طبقه رتبه‌بندی شده‌اند که رتبه‌های اولیه‌ی مانند کتاب الکافی اثر کلینی و «من‌لایحضر الفقیه» صدوق در درجه الف و رتبه یک قرار دارد.

مفهوم پذیرش در قرآن از کلیدواژه‌هایی مانند «رحمت، رأفت، مودت» و مانند آن برداشت می‌شود. هم‌چنین مفهوم «بخشش» و «امید» نیز این معنا را می‌رسانند. با در نظر گرفتن این نکته که «محبت» پس از پذیرش اولیه شکل می‌گیرد، واژگانی که «محبت» را می‌رسانند نیز بر معنای پذیرش دلالت دارند با این تفاوت که توجه مثبت در آن‌ها بیش‌تر از پذیرش صرف است. در ادامه نظر مفسرین درباره‌ی دلالت این مفهوم بر پذیرش ذکر می‌شود.

نزدیک‌ترین کلیدواژه به مفهوم پذیرش در اسلام «رحمت» است، «رحمت» در لغت به معنای رِقَّت، عَطُوف و احسان هم‌راه با شفقت است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق؛ جوهری، ۱۴۰۷ق) و رِقَّت به معنای نرم‌شدن دل است (راغب، ۱۴۱۲ق) علی‌الْبَیِّنَات می‌گوید: «خداوند رحیمی است که با رِقَّت وصف نمی‌شود» یعنی چنان‌که انسان‌ها دل‌هایشان نرم می‌شود رحمت در خداوند انفعالی ایجاد نمی‌کند (قرشی، ۱۴۱۲ق) و عَطُوف به معنای توجه مهربانانه به سمت کسی است (مصطفوی، ۱۳۶۸). علامه طباطبائی (۱۴۱۷ق) درباره‌ی «رحمت» می‌نویسد: «رحمت به معنای نوعی تأثیر نفسانی است که از مشاهده‌ی محرومیت محرومی که کمالی ندارد و محتاج به رفع نقص است، در دل پدید می‌آید و صاحب‌دل را وادار می‌کند او را از محرومیت نجات داده و نقصش را رفع کند». بنابراین رحمت به معنای مهربانی، توجه مثبت و نرم‌شدن دل نسبت به محرومی است و با محبت و دوستی مرادف نیست، هرچند هر محبتی از مهربانی و توجه مثبت اولیه برمی‌آید (کاشفی، ۱۳۷۹؛ مصطفوی، ۱۳۶۸). پذیرش خداوند و پیامبران در کلیدواژه‌ی «رحمت»، به معنای شمول احسان و شفقت ایشان نسبت به همگان است که مفسرین از آن به «رحمت عام» تعبیر می‌کنند. رحمت توجه مثبت عامی است که از مهربانی ذاتی او نسبت به مخلوقاتش برمی‌آید. هرکه بیش‌تر روی آورد، پذیرش و رحمت بیش‌تری دریافت می‌کند، جزو مؤمنین شده تا جایی که شایسته‌ی دریافت «رحمت خاص» و محبت خداوند می‌شود. اما آن‌ها که به اسلام روی نیاوردند هرچند رحمت عام الهی را در دنیا دریافت می‌کنند، اما در آخرت باید پاسخ‌گوی

این نعمت‌ها باشند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۸؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق).

واژه‌ی «رأفت» در اصطلاح قرآنی به معنای «رحمت» آمده اما جنبه‌ی مهربانی و عطف آن نسبت به «رحمت» بیش‌تر است (جوهری، ۱۴۰۷ق) و در نتیجه همانند رحمت بر پذیرش دلالت دارد. برخی مانند علامه قرشی (۱۴۱۲ق)، «رأفت» را به معنای مهربانی و احسان در سختی‌ها و «رحمت» را احسان در هر حال دانسته‌اند. هم‌چنین «مودت» از نزدیک‌ترین واژگان از نظر معنایی به محبت یعنی دوستی خالص است و در لغت «مودت» به محبت و هم‌چنین آرزو و تمنا معنا شده است (جوهری، ۱۴۰۷ق).

علاوه بر این، گذشت و بخشش از خطاها و نقص‌ها نشان‌دهنده‌ی توجه مثبت و پذیرش است. علامه طباطبائی (۱۳۷۴) در این باره می‌نویسد: انسان‌ها به‌واسطه‌ی عدم آگاهی از تأثیر افعال خود و نقص‌هایی که دارند، در رابطه‌ی خود با انسان‌ها و خداوند مرتکب خطاهایی می‌شوند، از این‌رو نیازمند بخشش و پذیرش مجدد هستند که خداوند در آیات متعددی پذیرش خود را در غالب بخشش و مغفرت متذکر می‌شود. بخشش خداوند از مهربانی و رحمت او بر می‌آید چنان‌چه در قرآن کریم در غالب موارد مفهوم مغفرت با مفهوم رحمت هم‌راه شده است.

مفهوم دیگری که پذیرش را می‌رساند «امید و خوش‌بینی» به مهربانی و بخشش خداوند و انسان‌ها است. جایی که به فرد امید داده می‌شود که با روی آوردن خالصانه پذیرفته خواهند شد. آیات و روایات متعددی در متون دینی هستند که امیدواری به پذیرش، هدایت و محبت را نسبت به خداوند و مؤمنین تقویت و از طرف مقابل روحیه‌ی یأس را تخطئه می‌کنند (مصباح‌زیدی، ۱۳۹۱). قرآن کریم مفهوم امید را در ریشه‌هایی مانند «رجا، یأس، قنط» رسانده است (خلیلیان و همکاران، ۱۳۹۲).

هم‌چنین آیات و روایاتی که بر پدر و مادر واجب می‌کنند هم‌واره نیازهای جسمی کودک را تأمین کنند (اعرافی، ۱۳۹۵) در دست‌رس کودک باشند و ابراز محبت کنند، بر پذیرش کودک به علاوه پذیرش نقش والدگری دلالت دارند (سراقی و همکاران، ۱۳۹۳).

یافته‌های تحقیق

در ادامه‌ی پژوهش، نویسندگان با تشکیل خانواده آیات و روایات مرتبط با کلیدواژگان و مفاهیم رساننده‌ی پذیرش در اسلام و مشورت با صاحب‌نظران مباحث روان‌شناسی و اسلام به این نتیجه رسیدند که پذیرش در پنج حیطه قابل طرح است: کودک، خانواده، جامعه، رهبران جامعه و خداوند. یافته‌های این تحقیق و نحوه‌ی دلالت هر حیطه بر مفهوم پذیرش در ادامه ذکر می‌شود.

۱) پذیرش کودک

کودک و همسر در قرآن به عنوان «قرّه‌اعین؛ روشنی چشم‌ها» یاد می‌شوند که به معنای مایه شادی و محبوب قلب است (طبرسی، ۱۳۷۲؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱). محبت مادر حضرت موسی علیه السلام به او در قرآن آن‌چنان توصیف شده که بارها کردنش در رود، نزدیک بود جانش نیز برود (قصص: ۱۰). به جهت محبت زیاد انسان‌ها به فرزندان، آن‌ها در قرآن مهم‌ترین عامل آزمایش و لغزش به حساب می‌آیند (انفال: ۲۸؛ تغابن: ۱۴-۱۵؛ کهف: ۸۰) و در روز قیامت از میان دوست‌داشته‌نی‌های دنیا، فرزند را مقدم می‌کند (معارج: ۱۱؛ لقمان: ۳۳). با این وجود روایات متعددی از معصومین علیهم السلام بر محبت نسبت به فرزندان رسیده است که پذیرش و محبت به کودک از طرف والدین را تبدیل به امری واجب و اصلی بنیادین در تربیت اسلامی می‌کند (اعرافی، ۱۳۹۵). «أَحِبُّوا الصَّبِيَانَ وَارْحَمُوهُمْ وَإِذَا وَعَدْتُمُوهُمْ شَيْئًا فَفُوا لَهُمْ فَإِنَّهُمْ لَا يَدْرُونَ إِلَّا أَنَّكُمْ تَرْتَضُونَهُمْ؛ کودکان را دوست بدارید و رحمت کنید و زمانی که وعده‌ای دادید وفا کنید زیرا آن‌ها نمی‌دانند جز این که شما را روزی‌دهنده می‌بینند» (کلینی، ۱۴۰۷ق). در این کلام علاوه بر الزام والدین به محبت، چرایی آن‌را در این می‌داند که والدین از نگاه کودک، خداانگاره‌ای روزی‌رسان هستند. هم‌چنین بر نموده‌های پذیرش عاطفی کودک نیز تأکید شده است مانند؛ بازی، شادکردن و بوسیدن (کلینی، ۱۴۰۷ق). بخشش و تغافل از خطاهای کودک (تمیمی‌امدی، ۱۳۶۰) کلام نرم و پرهیز از خشونت (فیض‌کاشانی، بی‌تا) هم‌چنان که سیره‌ی معصومین علیهم السلام نسبت به همه‌ی کودکان این‌چنین بود؛ «التَّلَطُّفُ بِالصَّبِيَانَ مِنْ عَادَةِ الرَّسُولِ؛

مهربانی به کودکان جزو عادت پیامبر بود» (همان). شواهد فوق نشان می‌دهند نیاز عاطفی کودک به پذیرش و محبت می‌بایست تأمین شود تا احساس محبوب بودن و شادی را از خانواده دریافت کند. کودکان در این فضای شاد و دوست‌داشتنی به تدریج علاوه بر تقویت ارتباط، ارزش‌های والدین به عنوان خداانگاره‌ی اولیه را درونی‌سازی می‌کنند و با رشد عقلی و هدایت والدین به خدای حقیقی می‌رسند.

از مجموع ادله‌ی اسلامی برداشت می‌شود که تا زمان رسیدن به دوران رشد عقلی-مالی، پدر و مادر و در مرتبه‌ی بعدی پدربزرگ وظیفه دارند علاوه بر محبت، امنیت جانی و مالی کودک را تأمین کنند و پس از رشد، اگر هر یک از والدین یا فرزندان دچار مشکل شود می‌بایست به یک‌دیگر کمک کنند (انصاری، ۱۳۹۲؛ اعرافی، ۱۳۹۵) چنان‌چه خداوند می‌فرماید: «مادران، فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند... خوراک و لباس فرزند، به‌وجهی نیکو، بر عهده صاحب فرزند است... مادر و پدر نباید به فرزند زیان برسانند و بر وارثین نیز همین وظیفه است» (بقره: ۲۳۳). ارضای نیازهای مادی کودک و عدم ضربه به آن‌ها، احساس پذیرش و عدم طرد را در او ایجاد می‌کند و خود را عضو پذیرفته‌شده و محبوب در خانواده می‌داند. تأثیر بلند مدت دریافت پذیرش و محبت در کودکی از کلام امیرالمومنین علیه السلام به دست می‌آید، آن‌جا که علم، معنویت، قدرت روحی، بدنی و اصلاح بودن خویش برای جانشینی را بدان جهت می‌داند که از طفولیت با تربیت و محبت پیامبر صلی الله علیه و آله بزرگ شده و از ایشان پرورش مادی و معنوی می‌گرفت و در ادامه صفات والای پیامبر را نیز بدان جهت معرفی می‌کند که ایشان نیز از کودکی تحت تعلیم فرشته‌ی الهی قرار داشت (سیدرضی، ۱۴۱۴ق). هم‌چنین مشکلاتی که برای یعقوب و یوسف پیامبر علیه السلام رخ داد، یکی از پیامدهای برداشت تبعیض‌آمیز دریافت محبت، از نگاه برادران یوسف علیه السلام بود، جایی که گفتند: «لَیُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَی آئِنَا مِنَّا»؛ یوسف و برادرش نزد پدر از ما محبوب‌ترند» (یوسف: ۸).

۲) پذیرش بین همسران

از نگاه قرآن روابط زوجین می‌بایست آکنده از پذیرش و محبت باشد چنان‌چه خداوند

می‌فرماید: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾ و از نشانه‌های قدرت اوست که برایتان از جنس خودتان همسرانی آفرید. تا به ایشان آرامش یابید و میان شما دوستی و رحمت نهاد» (روم: ۲۱). به نظر علامه طباطبائی «رحمت» بین همسران بدین معناست که ضعف‌های یک‌دیگر را می‌پوشانند به‌ویژه رحمتی که والدین به فرزندان نشان می‌دهند و اگر این رحمت نبود، نسل به‌کلی منقطع می‌شد و هرگز نوع بشر دوام نمی‌یافت (طباطبائی، ۱۴۱۷ق). طبق این آیه زوجینی که از دو خانواده‌ی متفاوت هستند با پذیرش نقاط قوت، نقص‌ها و تفاوت‌های یک‌دیگر و نثار محبت به آرامش می‌رسند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱). تفاوت‌های فردی، خانوادگی و جنسیتی به هم‌راه روابط نزدیک اعضاء، انتظارات و مانند این‌ها ممکن است تنش را به دنبال داشته باشند اما با پذیرش رحیمانه‌ی یک‌دیگر و طرد نکردن، نقص‌ها نه‌تنها خود را نشان نمی‌دهند بل‌که عاملی برای افزایش محبت می‌شوند و در نهایت موجب افزایش آرامش درونی و بین‌فردی می‌شود. چنان‌که شخصی از رسول خدا ﷺ از چرایی افزایش محبت بین زن و شوهری که از دو خانواده‌ی جدا به هم می‌رسند پرسید. پیامبر نیز در پاسخ به قرائت این آیه بسنده کرد (ری‌شهری، ۱۳۸۷). شاهد آوردن به این آیه نشان می‌دهد حفظ و رشد پذیرش و محبت در روابط زوجین عامل تقویت روابط و آرامش طرفینی است.

دسته‌ی بعدی از آیات پذیرش در خانواده، آیاتی هستند که بر گذشت و نادیده گرفتن خطاهای یک‌دیگر در خانواده دلالت می‌کنند ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بعضی از زنان و فرزندان‌تان دشمن شما هستند، از آن‌ها حذر کنید و اگر عفو کنید و چشم‌پوشید و گناه‌شان پوشیده دارید، خدا آمرزنده و مهربان است» (تغابن: ۱۴). در این آیه سلسله مراتب بخشش خطا و نقص بیان شده، «عفو» به معنی صرف‌نظر کردن از مجازات و «صفح» در مرتبه بالاتر یعنی ترک هرگونه سرزنش و «غفران» نیز بالاتر و به معنی پوشاندن گناه و به فراموشی سپردن آن است. دشمن خواندن ایشان بدین جهت است که در آیات قبل، سخن از اطاعت بی‌قید و شرط خدا و رسول آمده و از آن‌جا که یکی

از موانع مهم در این راه، محبت زیاد نسبت به زنان، فرزندان و اموال (به عنوان نیازهای بنیادین مادی انسان) است در این آیات هشدار جدی می‌دهد که در آزمایش محبت خدا و دنیا، دنیا دوستی فرد را از رشد باز ندارد، به ویژه در مورد این آیه که صحبت از زنان و فرزندان است که اهل ایمان نیستند. با توجه به توصیه به بخشش و مهربانی خداوند در انتهای آیه، این آیه دلالت بر مهرورزی حتی نسبت به ایشان دارد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱). بدون گذشت و با هم‌راه داشتن ناراضی‌ها، توجه مثبت درونی شکل نمی‌گیرد و پذیرش دیگری ممکن نمی‌شود و بدون پذیرش، اعضای خانواده غریبه‌هایی در کنار یک‌دیگر خواهند بود. علی علیه السلام می‌فرماید: «زن گل است و قهرمان نیست همیشه با همسرت مدارا کن، و با او به نیکی هم‌نشینی کن تا زندگی‌ات باصفا شود» (صدوق، ۱۴۱۳ق). در خانواده‌ای که پذیرش و محبت وجود دارد و زوجین با آرامش و علاقه به یک‌دیگر زندگی می‌کنند، با توانمندی بیشتری می‌توانند به تربیت فرزندان خود بپردازند. وقتی فرزند در کانون پر از محبت و عاطفه پرورش یابد، روح او نیز آرام است و با الگوگیری از والدین خود، در آینده همسری مهربان و کارآمد خواهد بود. این کارآمدی، نسل به نسل منتقل می‌شود و جامعه‌ای پر از شور و نشاط شکل می‌گیرد (صفورایی‌پاریزی، ۱۳۸۸).

از نزدیک‌ترین محیط‌های اجتماعی به خانواده خویشاوندان هستند. منابع اسلامی تأکید دارند انسان‌ها به ویژه مؤمنین می‌بایست پذیرش، محبت، گذشت و خوش‌بینی را در این حیطه ابراز و دریافت دارند. خداوند می‌فرماید: «...و به والدین و خویشاوندان احسان کنید و ...» (بقره: ۸۳؛ نحل: ۹۰). هم‌چنین روایات متعددی از معصومین علیهم السلام در این زمینه رسیده است که نیکی و مهربانی بر خویشاوندان را به تأکید مورد سفارش قرار می‌دهند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق). با توجه به این منابع، فقها و جوب صلهرحم را برداشت کرده‌اند (محسنی، ۱۳۸۶ و طاهری‌خرم‌آبادی، بی‌تا).

۳) پذیرش در سطح اجتماعی

این سطح از پذیرش در دین اسلام به عموم انسان‌ها بویژه مؤمنین اختصاص دارد. خداوند از همه‌ی انسان‌ها، مخصوصاً از مؤمنین می‌خواهد به چند شکل پذیرش را ابراز

کرده و دریافت کنند.

گروه اول آیاتی که از مسلمانان می‌خواهد یک‌دیگر را به مهربانی و رحمت سفارش کنند و خطاها را به نیکی جواب دهند تا پذیرش و مهربانی در میان افراد خانواده و جامعه با هر سن، جنس و عقیده‌ای رواج یابد. خداوند می‌فرماید «نیکی و بدی مساوی نیستند، (بدی را) به شیوه‌ای که آن نیکوتر است دفع کن، در آن صورت کسی که بین تو و بین او دشمنی بود، گویی که او دوستی مهربان است» (فصلت: ۳۴). جوادی‌آملی (۱۳۸۳) در تفسیر این آیه می‌نویسد: «مهربانی و برخورد نیک از دستورات رایج اسلامی است با این هدف که مؤمنان مظهر رأفت خدا در زمین گردند و با هرکسی که دشمنی نداشته (مسلمان یا غیرمسلمان)، با روی باز مواجه شوند». در جامعه‌ی اسلامی و در روابط بین مسلمانان، روحیه غالب پذیرش و رحمت است؛ ﴿ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَ تَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ﴾؛ سپس از آن‌هایی باشند که ایمان آورده و هم‌دیگر را به شکیبایی و رحمت (پذیرش) سفارش می‌کنند (بلد: ۱۷). عبارت «تواصوا» نشان می‌دهد که مطلوب خداوند، ایجاد جریان اجتماعی است تا با رعایت و حفظ این اصول پیوندهای اجتماعی محکم‌تر شود (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱). بالاتر از پذیرش، رابطه‌ی مؤمنین با یک‌دیگر در قرآن برادرانه و محبت‌آمیز توصیف شده ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ (حجرات: ۱۰)، ﴿وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ﴾ (توبه: ۷۱). از عبارت‌های متعدد معصومین علیهم‌السلام در این موضوع برمی‌آید که هرچه بر میزان دوستی بین مؤمنین افزوده می‌شود دستور به پی‌گیری این دوستی و ابراز محبت، بیش‌تر می‌شود تا جایی که در محبت و رزیدن همانند اعضاء خانواده بر یک‌دیگر حق پیدا می‌کنند (کلینی، ۱۴۰۷ق؛ ری‌شهری، ۱۳۸۶).

گروه دوم آیاتی هستند که عموم مسلمانان را دستور به بخشش و گذشت می‌دهند تا در سایه بخشش یک‌دیگر، روابط نزدیک‌تر شده و تردها کمتر شوند. ﴿...وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾؛ و از خطای مردم درمی‌گذرند و خدا نیکوکاران را دوست دارد» (آل‌عمران: ۱۳۴). عبارت «النَّاس» در این آیه اشاره به همه‌ی مردم اعم از مسلمان و غیرمسلمان دارد (طبرسی، ۱۳۷۲) و «الْمُحْسِنِينَ؛ نیکوکاران» دلالت بر مطلوب بودن این عفو

و این‌که با توجه مثبت هم‌راه است. هم‌چنین در آیه‌ی ۲۲ سوره نور صحبت از تعامل با «مؤمنین» است، از آن‌ها می‌خواهد علاوه بر بخشش، «صفح» داشته باشند که به معنای توجه به نقطه مقابل گناه که همان گذشت و توجه به امور (مثبت و خوش‌بینی) است (مصطفوی، ۱۳۶۸). بخشش خداوند و پیامبر به معنای بازگشت توجه مثبت خداوند و پیامبر به فرد است، اما بخشش انسان‌ها همیشه به این معنا نیست بل که گاهی به معنای رها کردن دشمنان است تا خداوند خود اعمال آن‌ها را محاسبه کند، چنان‌چه در آیه‌ی ۱۴ سوره‌ی تغابن آمده در اینجا مغفرت به معنای پذیرش و مهربانی به آن‌ها نیست (طباطبائی، ۱۳۷۴).

در نتیجه مسلمانان می‌بایست نسبت به یک‌دیگر پذیرش و محبت داشته باشند، اما در اجتماع انسانی عقاید مختلفی وجود دارد. افرادی هستند که مسلمان نیستند ولی رفتار و قصد دشمنی نیز ندارند. این‌ها از هر آیینی باشند نیکی و عدالت نسبت به آن‌ها مانعی ندارد، چنان‌چه خداوند می‌فرماید: ﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ﴾؛ خدا شما را از نیکی کردن و عدالت ورزیدن با آنان که با شما در دین نجنگیده‌اند و از سرزمین‌تان بیرون نرانده‌اند، باز نمی‌دارد. خدا کسانی را که به عدالت رفتار می‌کنند دوست دارد» (ممتحنه: ۸) و حتی پرداخت زکات برای نزدیکی قلب‌ها نیز توصیه شده است (توبه: ۶۰) (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱). بیش‌تر مفسرین ذیل این آیه اظهار مهربانی و دوستی نسبت به این دسته از غیرمسلمانان را جایز می‌دانند (همان و طباطبائی؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴). در این آیه برای غیرمسلمانانی که دشمنی ندارند از واژه «برّ» به معنای احسان و مهربانی استفاده شده (قرشی، ۱۴۱۲ق) که نشان می‌دهد دوستی در این‌جا کامل و با مهربانی زیاد نیست برخلاف دوستی با مؤمنان که از واژه‌های اخوت، ولی و مانند آن استفاده شده است.

با این وجود کسانی که رفتار یا قصد دشمنی دارند در واقع روی‌برگردانده و هنوز وارد بر مرزهای حقوقی و روان‌شناختی مسلمانان نشده تا پذیرش شوند. از آیات زیر عدم پذیرش افرادی که دشمنی دارند، علاوه بر دلیل عقلی بر حفظ نفس و هم‌چنین بیهوده بودن چنین پذیرشی برداشت می‌شود. «ای کسانی که ایمان آوردید دشمن من و خودتان را به‌عنوان دوستان نگیرید که بر ایشان مهربانی نمایید» (ممتحنه: ۱)، هم‌چنین اهل یهود و

مسیحی که دشمنی دارند (مائده: ۱۵)، منافقان (نساء: ۱۴۴)، استهزاء کنندگان به دین و دین‌داران (مائده: ۵۷)، خیانت‌کاران (نساء: ۱۰۷) و مسلمانانی که به کفر روی آورده‌اند (توبه: ۲۳). البته دشمنی خداوند و مؤمنین با ایشان از مصادیق رحمت است، چنان‌که خشم طیب نسبت به بیمار از محبت نشأت می‌گیرد، خشم خداوند در مورد گناه‌کاران از رحمت او برمی‌آید و دشمنی مؤمن در هم‌زیستی با دشمنان نیز از نشانه‌های رحمت است (جوادی‌آملی، ۱۳۸۳)، از این رو اگر آن‌ها برگشته و در زمره مؤمنین درآیند، نه تنها پذیرش شده بل که دشمنی تبدیل به محبت می‌شود (ممتحنه: ۴-۷؛ اسراء: ۸).

هر عضوی از جامعه‌ی انسانی که به اسلام روی می‌آورد، افکار و اعمال نامطلوب گذشته‌اش تأیید نمی‌شود بل که صرف روی آوردن و درخواست اصلاح ایشان تأیید شده و طرد نمی‌شود. چنان‌چه خداوند به پیامبر دستور می‌دهد «اگر مشرکی پناه خواست که کلام خدا را بشنود به او پناه دهید تا در امنیت بشنود و (پذیرد یا نپذیرد) سپس به جایگاه امنش برسانید» (توبه: ۶). در این آیه علاوه بر پذیرش، نیاز فرد به امنیت، احترام و استقلال در تصمیم‌گیری نیز دیده شده است (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۲). در مورد اعمال انسان‌ها می‌توان به آیه ۱۶۸ سوره شعراء اشاره کرد که لوط نبی عليه السلام پس از دعوت قوم خویش به سوی خدا و توصیه به دست کشیدن از کارهای ناپسند، به ایشان می‌فرماید: «إِنِّي لَعَمَلِكُمْ مِنَ الْفَالِقِينَ» من با کار شما دشمنم» (تغابن: ۱۶۸). یعنی با شخص شما دشمنی ندارم، کارتان ننگین است، اگر این اعمال را از خود دور کنید من دوست‌تان خواهم بود (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱). در نتیجه شرایط پذیرش ابتدایی روی آورندگان به اسلام، از نظر سن، جنس و نوع جهان‌بینی و سبک زندگی پیشین مطلق است. دریافت چنین پذیرشی در کلام معصومین عليهم السلام رابطه‌ی فرد با جامعه اسلامی و اسلام را بهبود می‌بخشد (کلینی، ۱۴۰۷ق).

در جامعه برخی افراد از خانواده‌ای با والد غایب هستند و یا در خانواده طرد را دریافت کرده‌اند. احساس طرد، خلأیی در ایشان ایجاد می‌کند که تا دریافت دوباره‌ی پذیرش و محبت، گرفتار وابستگی یا روابط شکننده با دیگران باقی می‌مانند. این فرایند افکار و

احساس‌هایی مانند طرد، خشم یا ترس از دست دادن محبت انسان‌های پیرامون به دنبال دارد. این افراد بیش‌تر از دیگران به پذیرش و محبت از طرف اعضاء جامعه نیاز دارند. تداوم دریافت پذیرش و محبت از خویشاوندان، دوستان و دیگر اعضاء جامعه، کمک می‌کند تا این نیاز تثبیت شده به سمت تأمین برود.

۴ پذیرش توسط رهبران اسلامی

آیات و روایات، پیامبر و رهبران اسلامی را سرآمد و الگوی پذیرش و مهربانی نسبت به هر روی آورنده‌ای معرفی می‌کنند. آیاتی که این معنا را می‌رسانند در سه دسته جای می‌گیرند: دسته اول، آیاتی که مهربانی و رحمت پیامبر ﷺ را نسبت به همه انسان‌ها نشان می‌دهند. قرآن دلیل رسالت پیامبر ﷺ را در تابش رحمت پروردگار بر تمام جهان منحصر می‌کند ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم» (انبیاء: ۱۰۷). تعبیر به «عالمین» تمام انسان‌ها را در تمام اعصار و قرون شامل می‌شود (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱). پذیرش و مهربانی ایشان در مواجهه با مؤمنین بیش‌تر بوده و با تعبیرهای نرم‌تری آمده است مانند ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِيَأْتِ لَّهُمْ وَتَوَكُّتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنقَضُوا مِنْ حَوْلِكَ...﴾ پس به سبب رحمتی از جانب خدا با آنان مهربان و خوش‌خوی هستی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی مردم از پیرامون تو متفرق می‌شدند» (آل‌عمران: ۱۵۹). در این آیه خداوند مهربانی پیامبر را برگرفته از رحمت خویش می‌داند، یعنی پیامبر مهربانی خویش را از رابطه با خداوند فراگرفته و با کمک از این منبع مهربانی به مردم و مؤمنین محبت نشان می‌دهد و اگر خطایی مرتکب می‌شوند از آن‌ها می‌گذرد (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق) هم‌چنین (شعرا: ۲۱۵؛ حجر: ۸۸).

دسته بعدی، آیاتی هستند که از پیامبر می‌خواهند تا برای همه‌ی انسان‌ها، سپس روی آورندگان به دین و در مرتبه بعد مؤمنین به‌طور ویژه، دعا و استغفار کند و خطا و نقص‌هایشان را ببخشد. «اگر ایشان را به هدایت دعوت کنی نمی‌شنوند، می‌بینی‌شان که سوی تو می‌نگرند ولی نمی‌بینند، طریقه‌ی عفو و بخشش پیش‌گیر و به نیکوکاری امر کن و (چنان‌چه نپذیرند) از مردم نادان روی بگردان» (اعراف: ۱۹۸-۱۹۹؛ مانده: ۱۳). این آیات

می‌رسانند که وجود پرمهر ایشان، به بازگشت و بهره‌مندی دعا شوندگان، امید دارند و چنانچه بازگردند، خدا، پیامبر و مؤمنین پذیرای ایشان هستند و راه ورود بسته نیست و طرد تنها به افرادی تعلق می‌گیرد که از روی نادانی، خیر الهی را نپذیرند و به اسلام روی نیاورند و یا گذشته‌ای پر از جرایم بزرگ داشته باشند که نیازمند اقدام حقوقی است (خان‌بیگی، ۱۳۹۳؛ میرشریفی، ۱۳۸۵). طلب بخشش برای مشرکان نیز طبق آیه‌ی ۱۱۳ سوره‌ی توبه جایز نیست چراکه ایشان با خدا دشمنی دارند (علامه طباطبائی، ۱۳۷۴) ولی دعا، استغفار و دلجویی نسبت به مؤمنین با تأکید بیش‌تری همراه است. «... از (خطای) آنان درگذر و برایشان طلب مغفرت نما و با آنان در کارها مشورت کن» (آل‌عمران: ۱۵۹).

سومین دسته، آیاتی هستند که خیرخواهی و جود‌گرایی پیامبر ﷺ را نسبت به همه انسان‌ها مخصوصاً مؤمنین نشان می‌دهند. خداوند در این زمینه می‌فرماید: «قطعاً، برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید، به (هدایت) شما حریص و نسبت به مؤمنان رئوف و رحیم است» (توبه: ۱۲۸). در جای دیگر خطاب به پیامبر مهربانی می‌فرماید «شاید اگر به این سخن ایمان نیاورند، خویشان را به خاطرشان از اندوه هلاک‌سازی» (کهف: ۶؛ شعراء: ۳). دور ماندن انسان‌ها از رحمت الهی و رشد انسانی تا آن اندازه بر پیامبر سخت می‌گذشت که ترس جان ایشان می‌رفته است و از هر طریق ممکن می‌خواست انسان‌ها بر دین راستین الهی وارد شوند تا مورد رحمت خداوند واقع شوند.

سیره‌ی عملی آن حضرت مهربانی و پذیرش ایشان را نشان می‌دهد، مطلبی که حتی دشمنان در همان عصر اقرار داشتند و سیره‌نویسان بانصاف از مسلمان و غیرمسلمان، سیره‌ی همیشگی آن حضرت را بر مهربانی و پذیرش مسلمان و غیرمسلمان ثبت کرده‌اند مانند (دیون‌پورت، به نقل از زمانی، ۱۳۸۵؛ گوستاولوبون، به نقل از گلی‌زواره، ۱۳۸۵). به همین جهت خداوند در آیه‌ی ۱۵۹ سوره‌ی آل‌عمران بر الگوگیری همگان به سیره‌ی عملی پیامبر مهربانی تأکید می‌کند. همانند وجود مهربان ایشان، سیره اهل بیت علیهم‌السلام نیز بر پذیرش و مهربانی نسبت به عموم مردم و به ویژه مؤمنین بود. زیرا پیامبر و امامان علیهم‌السلام از نور و علم یکسانی برخوردارند

و سیره‌ی یکسانی داشتند (فیض‌کاشانی، ۱۴۰۶ق). هم‌چنان که حضرت علی علیه السلام به کارگزار خود مالک اشتر می‌نویسد: «قلب خویش را نسبت به ملت خود مملو از رحمت و محبت و لطف کن... زیرا آن‌ها یا برادران دینی و یا انسان‌هایی هم‌چون تو هستند (سیدرضی، ۱۴۱۴).

معصومین علیهم السلام به عنوان انسان کامل، بیش‌ترین پذیرش و محبت را از خداوند دریافت کرده‌اند و این نیاز را به انسان‌های عصر خود ابراز می‌داشتند. انسان در عصر حاضر از تربیت انسان کامل محروم است لذا تصویر درستی از دریافت و ابراز محبت کامل ندارد، با این وجود مطالعه‌ی زندگی ایشان الگویی انسانی از پذیرش و محبت است. پیروی از این سبک زندگی، تأمین‌کننده‌ی این نیاز کلیدی و موجب آرامش و رشد در خانواده و جامعه است.

۵) پذیرش توسط خداوند

خداوند خالق مهربانی و منبع تمام‌ناشدنی پذیرش و محبت است و بیش‌ترین پذیرش همگانی در قرآن مخصوص خداوند است. این پذیرش به‌واسطه سه دسته از آیات ذیل ابلاغ شده است:

دسته اول، آیاتی که پذیرش مطلق و همگانی خداوند را با بیان صفات رحمانیه «رحیم، ودود، رؤف» نشان می‌دهند. در قرآن کریم شش بار از خداوند به‌عنوان «أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» یا «خَيْرُ الرَّاحِمِينَ» یاد شده و در موارد متعددی «رحمان» یا «رحیم» وصف شده است. برخی از توصیف‌ها مطلق بوده شامل همه انسان‌ها می‌شود و برخی مخصوص مؤمنین است. «بگو آن‌چه در زمین و آسمان‌ها است از کیست؟ بگو از آن خدا است، خداوند رحمت را بر خود واجب شمرده... ولی کسانی که خود را در زیان افکندند، ایمان نمی‌آورند» (انعام: ۱۲). در این آیه تصریح شده که رحمت عام الهی شامل همگان شده اما برخی خود را از دریافت توجه مثبت خداوند محروم می‌دارند. خداوند در چهار آیه خود را نسبت به همگان «رؤف» وصف کرده و در پنج آیه مخصوص مؤمنان توصیف شده است. مورد مطلق آن ﴿إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرؤُفٌ رَحِيمٌ﴾ خدا با همه‌ی مردم مهربان و رحیم است» (حج: ۶۵؛ نور: ۲۰). هم‌چنین خداوند خود را «ودود» خوانده است که بر وزن «فَعُول» به معنی مفعول

یعنی محبوب در قلب اولیاء و هم‌چنین به معنی فاعل یعنی دوست‌دار معنا می‌شود (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق). در آیات ﴿اَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ﴾ از پروردگار خود آمرزش بطلبید و به‌سوی او بازگردید که پروردگارم مهربان و دوست‌دار (توبه‌کنندگان) است (هود: ۹۰؛ بروج: ۱۴)، به قرینه توبه‌پذیر بودن خداوند از «ودود» معنای فاعلی برداشت می‌شود. از آن‌جا که «ودود» بودن خداوند بعد از توبه و مغفرت او آمده نشان می‌دهد شامل کسانی می‌شود که بر دین وارد شده‌اند.

آیات رحمانیه خداوند نسبت به مؤمنان از رحمت بیش‌تری نسبت به آن‌ها که هنوز وارد بر آستان ایمان الهی نشدند، برخوردار است. «وقتی که مؤمنین نزد تو می‌آیند بگو سلام بر شما، پروردگار شما رحمت را بر خود واجب کرده که هرکسی از شما از روی جهالت عمل زشتی مرتکب شود و سپس توبه کرده عمل صالح کند، خداوند هم آمرزنده و مهربان است (انعام: ۵۴). در این آیه به پیامبر توصیه می‌شود نسبت به مؤمنان با مهربانی و بخشش بیش‌تری برخورد کند، این در حالی است که برای مطلق انسان‌ها خداوند پذیرش و رحمت عامه خویش را نشان می‌دهد.

دسته دوم، آیاتی که دعوت به توبه از گناهان می‌کند تا به درگاه امن الهی وارد شوند و یا آیاتی که از خداوند با صفاتی مانند «غافر، غفور، غفار، تَوَّاب، عَفُوٌّ» یاد می‌کنند. این آیات همه‌ی انسان‌ها را دعوت به بخشش و رحمت الهی می‌کنند و پذیرش غیرمشروط خداوند را نشان می‌دهند. آیات بخشندگی خداوند در این نگاه به دو قسمت می‌شوند؛ برخی از این آیات مطلق بوده و شامل همه‌ی انسان‌ها صرف بخشش و رحمت را به ایشان وعده داده است می‌شود (غافر: ۳؛ انعام: ۵۴؛ مائده: ۷۳ و ۷۴) و برخی دیگر مخصوص مؤمنان است. در این دسته از آیات، برای مؤمنان رحمت و اجر بیش‌تری با مغفرت همراه شده است (فاطر: ۷؛ طه: ۸۲؛ مائده: ۹). آیات توبه‌پذیری خداوند یک قید دارند و آن این‌که اگر افرادی جهت سوءاستفاده، توبه را به زمانی بسپارند که نشانه‌های قطعی مرگ یا عذاب پدیدار شوند، در این موارد خداوند توبه‌ی آن‌ها را نمی‌پذیرد (نساء: ۱۸؛ مؤمن: ۸۴-۸۵) (طباطبائی).

دسته سوم، آیاتی که پذیرش الهی را در قالب امید به خداوند مطرح کرده و در این آیات از همه‌ی انسان‌ها خواسته‌شده به خداوند و رحمت و اسعه او امید داشته و با هر سابقه‌ای رو به سوی خدا کنند. همان‌طور که فرموده: ﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلُمُوا لَهُ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ﴾؛ ای بندگان من که بر زیان خویش اسراف کرده‌اید، از رحمت خدا مأیوس مشوید. زیرا خدا همه گناهان را می‌آمرزد. اوست آمرزنده و مهربان. پیش از آنکه عذاب فرارسد و کسی به یاری‌تان برنخیزد، به پروردگارتان روی آورید و به او تسلیم شوید» (زمر: ۵۲-۵۳). علامه طباطبائی (۱۳۷۴) در تفسیر آیه می‌نویسد: «خطاب «یا عِبَادِی؛ ای بندگان من» شامل مؤمنان نیست چرا که سیاق آیات قبل و بعد درباره‌ی مشرکین و دعوت آن‌هاست». آیه فوق گسترده‌ترین آیات رحمت خداوند است که شمول آن هرگونه گناه را در برمی‌گیرد و نیز به همین دلیل از امید بخش‌ترین آیات قرآن مجید محسوب می‌شود. بخشیدن تمام «جمعاً» گناهان به شرط پذیرفتن دین و بازگشت به خدا «أنیبوا» و تسلیم در برابر دستورات خداست (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱). هم‌چنین آیات متعدد دیگری که همه‌ی انسان‌ها را از یأس و ناامیدی پرهیز می‌دهند و ناامیدی را صفت گمراهان و مشرکان به حساب می‌آورند (حجر: ۵۵-۵۶؛ اسراء: ۸۳؛ روم: ۳۶ و غیره).

با توجه به آیات فوق، فکر و احساس امید در انسان نیازمند به پذیرش و مهربانی زنده می‌شود. همه‌ی آن‌ها که بر انسان پذیرش و محبت ابراز می‌کنند، هرچند انسان به آن‌ها نیاز دارد و باید تبادل محبت داشته باشند اما به جهت نقص و معلول بودن، محبت‌هایشان یا خودشان روزی از بین می‌روند. برای رهایی از اضطراب از دست دادن آن‌ها و اطمینان از دریافت باثبات پذیرش و محبت، انسان به پذیرش و محبت نو شونده و تمام‌نشده‌ی خداوند نیاز دارد تا این نیاز به صورت کامل تأمین شود. دریافت چنین محبتی به انسان احساس حمایت، معناداری، دل‌بستگی ایمن، محبوب بودن و امید می‌دهد و در مقابل از احساس تنهایی، رهاشدگی، وابستگی و پوچی آزاد می‌شود. کسی که پذیرش و محبت خداوند را دریافت می‌کند مظهر صفات مهربانی خداوند شده و بدون چشم‌داشت

هم‌چنان‌که از خداوند پذیرش و محبت گرفته، ایشان نیز می‌تواند انسان‌ها را هم‌راه با کمال و نقص‌شان بپذیرد و محبت کند و طردکننده نباشد.

نتیجه‌گیری

نتایج نظریه‌پردازی‌ها و تحقیقات روان‌شناسی از ابتدای شکل‌گیری این علم تاکنون، تقریباً نزدیک به اتفاق نشان می‌دهند؛ انسان به‌ویژه در سنین کودکی نیازمند پذیرش و محبت است و دریافت به موقع و به اندازه این نیاز، احتمال شکل‌گیری رشد روانی سالم و پایدار را تا حد بسیار زیادی تأمین خواهد کرد (پروین، ترجمه جوادی و کدیور، ۱۳۷۲) و عدم ارضای این نیاز، احتمال دچار شدن به اختلالات روانی، شخصیتی و بین‌فردی را به‌ویژه در خانواده بالا خواهد برد (پروچاسکا و نورکراس، ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۹۱) و درمان پیامدهای ضربه به این نیاز با پذیرش مراجع شروع شده و طی فرایندی سخت و طولانی مدت تأمین خواهد شد (یانگ و همکاران، ترجمه حمیدپور و اندوز، ۱۳۹۱).

مفهوم پذیرش در منابع اسلامی با کلیدواژه‌های متعددی بیان شده است که نزدیک‌ترین کلیدواژه به این مفهوم واژه‌ی «رحمت» است. پایین‌ترین سطح پذیرش از نگاه متون دینی این چنین تعریف می‌شود: «مهربانی و توجه مثبت به کسی که روی آورده یا ارتباطی ایجاد شده و رفتار یا قصد دشمنی ندارد». در این سطح، پذیرش هیچ شرطی ندارد جز این‌که طرف مقابل دشمنی نداشته باشد. با قبول اسلام، پذیرش مشروط به تسلیم بودن نسبت به دستوره‌ای خدا می‌شود. چنین تسلیمی نیاز به پذیرش و محبت را از طرف خداوند، رهبران الهی و جامعه مسلمان تأمین کرده و گامی بسیار مهم در تأمین دیگر نیازهای بنیادین فرد خواهد بود.

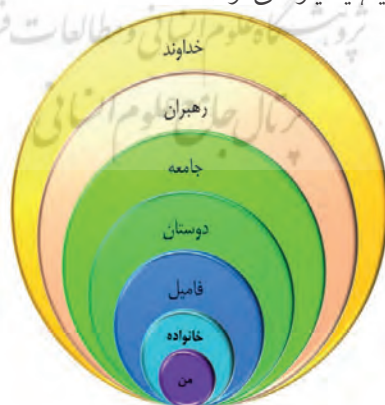
دین مقدس اسلام ارضای این نیاز را نه تنها در خانواده و درمان بل‌که در سطوح مختلف دیده است. خداوند، پیامبر و اهل‌بیت علیهم‌السلام، هرکسی را که به ایشان روی آورد می‌پذیرند و هر اندازه فرد باایمان و عمل خالص به ایشان نزدیک‌تر شود علاوه بر پذیرش، محبت بیش‌تری دریافت خواهد کرد. هدف در اسلام رسیدن به محبت الهی است این هدف با تأمین نیاز کودک به محبت از کودکی و نوجوانی آغاز می‌شود، در گام بعدی رشد

عقلی و مذهبی به کمک والدین و مربیان فرد را سوق می‌دهد تا با توجه نقص انسان‌ها در تأمین این نیاز و کمال پذیرش و محبت از طرف خداوند، این نیاز تمام نشدنی خود را از منبع بی‌پایان و بی‌شائبه‌ی خداوند دریافت کند. در سایه رفت‌وآمد محبت بین خداوند و فرد، می‌تواند دیگران را بپذیرد و محبت نشان دهد و همان‌گونه که خداوند او را با تمام خطاهای فکری و عملی پذیرفته، او نیز پذیرای دیگران به‌ویژه اعضای خانواده می‌شود. پذیرش و سپس محبت در قرآن دارای ویژگی‌های زیر است:

مطلق است به این معنا که هر روی‌آورنده‌ای را در برمی‌گیرد و آن‌ها که دشمنی دارند در واقع روی‌نیاورده‌اند تا پذیرفته شوند.

هرچه روی‌آورنده نزدیک‌تر شود، پذیرش و سپس محبت بیش‌تری دریافت می‌کند. هرکه از مسلمان و غیرمسلمان روی‌برگرداند -در آن زمان- خود را محروم کرده و ضرر می‌کند.

طبق متون اسلامی هر «من»‌ی پذیرش و محبت غیرمشروط را در چندین سطح از خداوند، پیامبر و ائمه علیهم‌السلام، رهبران جامعه‌ی اسلامی، جامعه‌ی مسلمان، خویشاوندان و خانواده دریافت می‌کند. در نتیجه مطابق با شکل زیر «من» هر کسی می‌تواند غرق در پذیرش و محبت باشد. به نظر می‌رسد کسی که این محبت‌ها را احساس نمی‌کند شاید به جهت شناخت‌های ناصحیح یا نیازهای ارضا نشده است.



تأمین این نیاز به بینش فرد نسبت به این نیاز ناهشیار، بستگی دارد. با دریافت پذیرش

با واسطه‌ی انسانی، پذیرش و محبت خداوند قابل درک خواهد بود. واسطه‌ای که خود تا حدی این نیاز را تأمین کرده و می‌تواند پذیرش غیرمشروط را نشان دهد.

دریافتِ پذیرش و محبت از خداوند و اولیائش، اصلاح خود و رساندن آن به دیگران، برنامه‌ی اصلاح فردی و اجتماعی در اسلام است.

قرآن کریم دستور می‌دهد که در سایه محبت الهی، هم‌نوعان را پذیرفته و هر اندازه نزدیک‌تر باشند محبت بیش‌تری به یک‌دیگر نثار دارند.

با تعهد به نظام ارزشی اسلام، معیار دوستی‌ها و دوری‌ها برای پذیرنده و پذیرش‌شونده روشن است و تابع افکار و احساسات متغیر و آنی نیست در نتیجه پذیرشی باثبات و ایمن ارائه می‌شود.

انسان‌ها در زندگی مرتکب خطاهایی می‌شوند و پذیرش طرفینی، کلید آرامش و گرمی در زندگی است. به‌ویژه در محیط خانواده که روابط نزدیک‌تر بوده و انتظارات بیش‌تری وجود دارد.

فرزند و پس از آن همسر، از بیش‌ترین پذیرش و محبت بهره‌مند می‌شوند به‌این ترتیب آرامش در خانواده حاکم شده و موجب رشد امید، اعتماد، معنا و ظرفیت روانی می‌شود.

منابع

۱. ابن‌منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دارالاصدار.
۲. اعرافی، علی‌رضا. (۱۳۹۵)، تربیت فرزند با رویکرد فقهی، تحقیق از سیدنقی موسوی، قم: نشر اشراق.
۳. امانی، احمد؛ ثنایی، باقر؛ نظری، ذاکر؛ نامداری، علی‌محمد؛ مهدی، پژمان. (۱۳۹۰)، «اثر بخشی دو رویکرد طرح‌واره‌درمانی و دل‌بستگی‌درمانی بر سبک‌های دل‌بستگی در دانشجویان مرحله عقد»، مشاوره روان‌درمانی خانواده، سال اول، شماره ۲، ۱۷۱-۱۹۱.
۴. انصاری، قدرت‌الله. (۱۳۹۲)، احکام و حقوق کودکان در اسلام، قم: نشر مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
۵. آفاجانی، محمدصادق؛ احمدی، محمدرضا؛ نارویی نصرتی، رحیم. (۱۳۹۳)، تبیین دل‌بستگی کودک و تحول آن بر اساس منابع اسلامی، قم: مؤسسه امام‌خمینی (ره).

۶. ایمانی، محمدتقی؛ نوشادی، محمود رضا. (۱۳۹۵)، تحلیل محتوای کیفی، عیار پژوهش در علوم انسانی، سال ۲۳(۲).
۷. برک، لورا. (۱۳۹۰)، روان‌شناسی رشد، ترجمه یحیی سیدمحمدی، چاپ چهارم، تهران: ارسباران.
۸. پروچاسکا جیمز؛ نورکراس، جان. (۱۳۹۱)، نظریه‌های روان‌درمانی، ترجمه یحیی سیدمحمدی، ویراست ششم، تهران: نشر روان.
۹. لارنس.ای. (۱۳۷۲)، روان‌شناسی شخصیت، ترجمه محمدجعفر جوادی و پروین کدیور، تهران: رسا.
۱۰. تبریزی، منصوره. (۱۳۹۳)، تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی، فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۱(۶۴)، ۱۰۵-۱۳۸.
۱۱. تمیمی‌آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۶۶)، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، محقق مصطفی درایتی، قم: نشر دفتر تبلیغات.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸)، ادب فنای مقربان، محقق محمد صفائی، قم: نشر اسراء.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۳)، تفسیر تسنیم، قم: نشر اسراء.
۱۴. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۴۰۷ق)، الصحاح فی لغة العرب، تحقیق احمدبن عبدالغفور عطار، چاپ چهارم، بیروت: دارالعلم.
۱۵. حرعاملی، محمد بن حسن. (۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم: نشر مؤسسه آل البیت (ع).
۱۶. حقیقت‌منش، الهه؛ آقامحمدیان شهرباف، حمیدرضا؛ قنبری هاشم‌آبادی، بهرام‌علی؛ مهram، بهروز. (۱۳۸۹)، «روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و ابعاد روان‌بنه تجاوزگران جنسی»، مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، سال شانزدهم، شماره ۲، ۱۴۵-۱۵۳.
۱۷. خان‌بیگی، حمزه. (۱۳۹۳)، بررسی و تحلیل سیره سیاسی پیامبر(ص) با تأکید بر رفتار با دشمنان، مجله حبل‌المتین، مقاله ۶، دوره سوم، شماره ۶، ۷۸-۹۹.
۱۸. دائمی، فاطمه؛ جان‌بزرگی، مسعود. (۱۳۹۰)، تأثیر سبک والدینی و روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران بر حرمت خود کودکان، مجله علوم رفتاری، ۲(۵)، ۱۶۵-۱۷۲.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: نشر دارالقلم.
۲۰. ری‌شهری محمدی، محمد. (۱۳۸۶)، دوستی در قرآن و حدیث، چاپ سوم، قم: نشر دارالحدیث.
۲۱. ری‌شهری محمدی، محمد. (۱۳۸۷)، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: نشر دارالحدیث.
۲۲. زمانی، محمدحسن. (۱۳۸۵)، شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی غربیان، قم: نشر بوستان کتاب.
۲۳. سراقی، همایون؛ منیرپور، نادر؛ احمدی، محمدرضا؛ حسن‌آبادی، حمیدرضا. (۱۳۹۳)، مؤلفه‌های نقش مادر از نگاه اسلام و روان‌شناسی و ساخت پرسش‌نامه آن بر اساس متون اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: موسسه امام خمینی (ره).
۲۴. سیدرضی، محمدبن حسین. (۱۴۱۴ق)، نهج‌البلاغه، مصحح فیض الإسلام، قم: نشر هجرت.
۲۵. سیدموسوی، پریسا؛ مظاهری، محمدعلی؛ قنبری، سعید. (۱۳۹۰)، رابطه پذیرش، طرد و کنترل همسر با سازگاری

- روان‌شناختی: بررسی نقش تفاوت‌های جنسی، ش ۵۸، ۱۴۷-۱۶۲.
۲۶. شفیق‌آبادی، عبدالله؛ ناصری، غلامرضا. (۱۳۶۵)، نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۲۷. شولتز، دوان؛ شولتز، سیدنی. (۱۳۷۵)، تاریخ روان‌شناسی نوین، ترجمه پاشا شریفی حسن، علی‌اکبر سیف، تهران: نشر رشد.
۲۸. شولتز، دوان؛ شولتز، سیدنی. (۱۳۹۲)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه سید محمدی یحیی، تهران: نشر روانی.
۲۹. صدوق، ابن‌بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق)، من‌لایحضره الفقیه، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم: نشر جامعه مدرسین.
۳۰. صفورایی‌پاریزی، محمدمهدی. (۱۳۸۸)، اثربخشی رعایت آموزه‌های اخلاق اسلامی در کارآمدی خانواده، ش ۱، ۹۱-۱۱۸.
۳۱. صلواتی، مرگان؛ یکه‌یزدان‌دوست، رخساره، کاویانی، حسین. (۱۳۸۹)، طرح‌واره درمانی (راهنمای ویژه متخصصان روان‌شناسی بالینی)، تهران: نشر دانه.
۳۲. طاهری خرم‌آبادی، سیدحسین. (بی‌تا)، صله الرحم و قطعته‌ها، قم: نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۳۳. طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیرالقرآن، چاپ پنجم، قم: جامعه مدرسین.
۳۴. طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی، قم: نشر جامعه مدرسین.
۳۵. طباطبائی، سید محمدکاظم. (۱۳۹۰)، منطق فهم حدیث، قم: نشر موسسه امام خمینی (ره).
۳۶. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح فضل‌الله یزدی طباطبائی، تهران: نشر ناصرخسرو.
۳۷. فری، مایکل. (۱۳۸۸)، شناخت درمان‌گری گروهی، ترجمه مسعود جان‌بزرگی، قم: نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۸. فضل‌الله، محمدحسین. (۱۴۱۹ق)، من‌وحی القرآن، بیروت: نشر دارالملاک.
۳۹. فیض‌کاشانی، محمدمحسن بن شاهمرتضی. (۱۴۰۶ق)، الوافی، اصفهان: نشر کتابخانه امام علی (ع).
۴۰. قرشی بنابی، علی‌اکبر. (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
۴۱. کاپلان، پاول اس. (۱۳۸۶)، روان‌شناسی رشد، ترجمه مهرداد فیروزبخت، مهرداد، چاپ چهارم، تهران: رسا.
۴۲. کاشانی، فیض. (بی‌تا)، محجه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین.
۴۳. کلیسادی، فاطمه؛ یزدخواستی، فریبا. (۱۳۹۵)، تأثیر ادراک طرد-پذیرش و کنترل والدین بر هوش اخلاقی و تحمل پربشانی، ش ۳۳، ۱۵۵-۱۷۰.
۴۴. کاشفی، حسین‌بن‌علی. (۱۳۷۹)، جواهر التفسیر، محقق جواد عباسی، تهران: نشر میراث مکتوب.
۴۵. کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۰۷ق)، الکافی، محقق علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
۴۶. گلی‌زواره، غلامرضا. (۱۳۸۵)، رسول اعظم از دیدگاه اروپائیان و مستشرقین، دیدار آشنا، شماره ۷۸ و ۷۹.
۴۷. محسنی، محمد آصف. (۱۳۸۶)، حدود الشریعه، المحرمات، قم: نشر بوستان کتاب.
۴۸. مدرس‌غروی، مرتضی. (۱۳۹۰)، بررسی ارتباط سبک دل‌بستگی بالغین به والدین با تنش، اضطراب و افسردگی ۱۳ (۵۰)،

۴۹. دانایی فرد، حسن؛ امامی، سیدمجتبی. (۱۳۸۶)، استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، مجله اندیشه‌ی مدیریت راهبردی، (۲۱)، ۶۹-۹۷.
۵۰. مصباح‌یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۱)، اخلاق در قرآن، تحقیق از محمدحسین اسکندی، قم: نشر مؤسسه امام خمینی(ره).
۵۱. مصباح‌یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۲)، کاوش‌ها و چالش‌ها، تحقیق از محمدمهدی نادری، قم: نشر مؤسسه امام خمینی(ره).
۵۲. مصطفوی، حسن. (۱۳۸۶)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۴ جلد، تهران: نشر فرهنگ و ارشاد.
۵۳. مکارم‌شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: نشر دارالکتب الإسلامیة.
۵۴. میرشریفی، سیدعلی. (۱۳۸۵)، پیام‌آوران رحمت، تهران: نشر سمت.
۵۵. یانگ، جفری؛ کلسکو، ژانت؛ ویشار، مارجوری. (۱۳۹۱)، طرح‌واره درمانی (راهنمای کاربردی برای متخصصین بالینی)، ترجمه حسن حمیدپور و زهرا اندوز، تهران: نشر ارجمند.
۵۶. یانگ، جفری؛ کلسکو، ژانت؛ ویشار، مارجوری. (۱۳۸۶)، طرح‌واره درمانی: راهنمای کاربردی برای متخصصین بالینی، ترجمه حسن حمیدپور، تهران: نشر ارجمند.
۵۷. یوسفی، رحیم؛ عابدین، علیرضا؛ تیرگری، عبدالحکیم؛ فتح‌آبادی، جلیل. (۱۳۸۹)، «اثر بخشی مداخله آموزشی مبتنی بر مدل طرح‌واره‌ها در ارتقا رضایت زناشویی»، روان‌شناسی بالینی، ۲(۷)، ۲۵-۳۷.
۵۸. یانگ، جفری. (۱۳۸۳)، شناخت‌درمانی اختلالات شخصیت: رویکرد طرح‌واره‌محور، ترجمه‌ی علی صاحبی و حسن حمیدپور، تهران: نشر ارجمند.
۵۹. یوسف‌نژاد شیروانی، مانده؛ پیوسته‌گر، مهرانگیز. (۱۳۹۰)، «رابطه رضایت از زندگی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در دانشجویان»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، سال دوازدهم، شماره ۲، ۵۵-۶۵.
۶۰. یوسفی، ناصر؛ اعتمادی، عذرا، احمدی، سیداحمد؛ فاتحی‌زاده، مریم‌السادات؛ بهرامی، فاطمه. (۱۳۸۹)، «مقایسه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در همسران مطلقه و عادی به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده طلاق»، مجله روانپزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)، سال شانزدهم، شماره ۶۰، ۲۱-۳۳.

61. Carver, S. C. and Scheir, M. F. Perspective on Personality. Allyn and Bacon, ۱۹۹۲.
62. Hayes, s. & pankey, j. Psychological acceptance. In o'donohue, j. e. fisher, & s. c. Hayes (eds.), cognitive behavior therapy: applying empirically supported techniques in your practice of. New York: Wiley, 2003.
63. Muris, P. Maladaptive schemas in non-clinical adolescents: Relations to perceived parental rearing behaviours, big personality factors and psychopathological symptoms. Clinical Psychology and Psychotherapy, Vol 13, 2006, pp405-413.
64. Ponce, A.N., Williams, M.K. and Allen, Experience of maltreatment as a child and acceptance of violence in adult intimate relationships: mediating effects of distortions in cognitive schemas.

- Journal of Violence and Victims, 19, 2004, pp97-108.
65. Rohner, R. P. Parental acceptance and rejection bibliography. Retrieved March 27, 2012 from www.csjar.uconn.edu. 2012.
66. Seligman, M.E.P., Schulman, P., and Tryon, A. Group prevention of depression and anxiety symptoms. Journal of Behavior Research and Therapy, 45(6), 2007, pp1111-1126.

